

## بررسی نقش و جایگاه اجتماعی پیامبر(ص) در پنج نسخه از متون تعزیه

دکتر مهدی پوررضائیان \*

فرهاد بردباری \*\*

### چکیده

تعزیه را می‌توان در لغت به معنای سوگواری و برپا کردن مراسم عزاداری به یاد درگذشتگان دانست، ولی در اصطلاح به نوعی نمایش مذهبی و آیینی اطلاق می‌شود که موضوع آن واقعه عاشورا، شهادت امامان و مصائب قدیسان است. بیشتر محققان با توجه به نقش امام حسین(ع)، اهل بیت و یارانش به نسخه‌هایی توجه کرده‌اند که در ارتباط با آن‌ها و به خصوص حادثه کربلا است. لذا پژوهشگران این تحقیق با آگاهی از این مسئله و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی و شناخت نقش و جایگاه اجتماعی پیامبر(ص) در پنج نسخه از مجالس تعزیه پرداخته‌اند. نخست خلاصه‌ای از هر مجلس آورده شده و سپس به ویژگی‌های شخصیتی پیامبر(ص) با توجه به نقش و جایگاه اجتماعی او در هر نسخه طبق جداولی مجزا اشاره می‌شود؛ در ادامه در دو جدول جداگانه به ویژگی‌های تکرارشونده و ویژگی‌های کلی شخصیت آن حضرت(ص) پرداخته شده است. ویژگی‌های برجسته و کلی شخصیت پیامبر(ص) با توجه به نقش محوری و پررنگ او که در پنج نسخه مورد نظر، مشترکند عبارت است از: ارتباط با وحی، ارتباط با اهل بیت و ارتباط با مسلمانان.

دانشگاه دامغان

واژگان کلیدی: نمایش‌های آیینی، تعزیه، پیامبر(ص)، نقش و جایگاه اجتماعی

\* استادیار دانشکده هنر دانشگاه شاهد تهران [purrezaian@shahed.ac.ir](mailto:purrezaian@shahed.ac.ir)

\*\* کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول) [farhad56@chmail.ir](mailto:farhad56@chmail.ir)

## مقدمه

در فرهنگ فارسی عمید در برابر تعزیت مصادری نظیر «تسلی دادن، تسلیت گفتن، مصیبت دیده را صبر و شکیبایی دادن، دلجویی کردن و سرسلامتی گفتن» (عمید، ۱۳۸۶، ۴۰۳) آمده است. «تعزیه در لغت به معنای سوگواری و برپا داشتن مراسم عزاداری به یادبود درگذشتگان است، و در اصطلاح به نوعی نمایش آیینی و مذهبی براساس واقعه کربلا و شهادت امامان و وقایع دیگر مذهبی و قصه‌ها و داستان‌های تاریخی و اساطیری و عامیانه اطلاق می‌شود» (شهیدی، ۱۳۸۰، ۶۱).

در فرهنگ و ادبیات مذهبی ایران «تعزیه و تعزیه‌خوانی» به معنا و مفهوم مجموعه‌ای از نمایش‌های آیینی مذهبی و آیینی-افسانه‌ای خاص به کار می‌رود. اصطلاح‌های «تعزیه در آوردن»، «تشبیه»، «شبیبه»، «شبیبه‌خوانی» و «شبیبه در آوردن» نیز از دوره قاجار به این سو به همین معنا و مفهوم در ادبیات مذهبی ما به کار رفته است (بلوکباشی، ۱۳۹۰، ۱۴۵).

به عقیده صادق عاشورپور: «نمایش ایرانی تعزیه، همیشه دو نام داشته است؛ یکی تعزیه (=تعزیت) و دیگری شبیه (=تشبیه). با کمی تأمل و دقت در معنای لغوی این دو نام در خواهیم یافت که این دو نام واژه هیچ گونه مترادف و قرابتی ندارند. بلکه معانی متفاوت و متنافر دارند. چنان که تعزیه (=تعزیت) به معنای تسلی دادن، تسلیت گفتن، مصیبت دیده‌ای را صبر و شکیبایی دادن و دلجویی کردن است. و شبیه (=تشبیه) عبارت است از چیزی را به چیزی مثل و مانند کردن. همین به خوبی مشخص می‌سازد که عکس آنچه متداول است، به بسیاری از شبیه‌ها در واقع تعزیه نمی‌توان گفت؛ در حالی که به همه نمایش‌های تعزیه و نمایش‌های این ژانر می‌توان شبیه گفت» (عاشورپور، ۱۳۸۹، ۲۰).

محمدحسین ناصر بخت از دو منبع مهم و اساسی برای شکل‌گیری شبیه‌خوانی نام می‌برد: «یکی مقتل‌ها و روایات مذهبی، که به‌ویژه با به طبع رسیدن

روضه‌الشهدا توسط کمال‌الدین حسین‌بن‌علی واعظ کاشفی سبزواری معروف به ملاحسین کاشفی، موضوعات و قصص مورد احتیاج آن را انسجام بخشید و دیگری دسته‌های عزاداری که شبیه‌سازی‌های اولیه آن، همچون حمل نعش و گهواره علی‌اصغر و حجله قاسم بن علی (ع)، به تدریج تبدیل به بازسازی صحنه‌های ابتدایی واقعه گردید و در گسترش این مراسم آرام، آرام از دل آن نمایش‌های کوچک مستقلی بیرون آمد و تکامل یافت» (ناصر بخت، ۱۳۸۶، ۱۵). جلال ستاری نیز در مورد پیدایش درام و تعزیه در میان شیعیان بیان می‌دارد: «... شیعه به سبب آن که هر حکومت جز حکومت امامان و نواب امامان معصوم را غاصب می‌دانست، با واقعیت تاریخی درگیر شد، یعنی تاریخی را که واقعیت داشت، انکار و تکذیب کرد و تاریخ آرمانی را که هنوز نبود ولی می‌بایست می‌بود، بر حق دانست و این «ناخوانی» و «ناهمزمانی» که ریشه و خصلتی سیاسی و اجتماعی و نه تنها اخلاقی داشت و نبرد میان خیر و شر و نور و ظلمت، اسطوره زیربنای آن است، به گمانم، بذر درام را در ذهن و ضمیر شیعیان افشاند که اندک اندک بالید و برداد و تعزیه شد» (ستاری، ۱۳۸۷، ۹۱).

در مورد پیدایش و شکل‌گیری تعزیه فرضیه‌های زیادی وجود دارد ولی مشهورترین نظریه در این مورد این است که «تعزیه شکل متحول و تکامل یافته مراسم و آیین‌های سوگواری مذهبی است که از قرن‌های اول و دوم، به‌ویژه قرن چهارم دوره آل‌بویه در ایران رایج بوده است. همچنین احتمال داده می‌شود که زمینه نمایشی این مراسم از برخی آداب و شعائر و نمایش‌واره‌های جمعی ایران قبل از اسلام، مانند سوگ سیاوش و کین ایرج و امثال آن‌ها ریشه و مایه گرفته باشد. شاید هم بعضی از جشن‌ها و جشنواره‌ها و مراسم آیینی و اساطیری جامعه‌های کهن غرب ایران مانند حماسه گیلگمش، آدونیس، تموز و عشتار یا ایشتار در تکوین و تشکیل آن بی‌تأثیر نبوده باشد. ظاهراً این مراسم و تظاهرات مذهبی با رسمیت یافتن مذهب شیعه در

دوره صفویان، شکل و هیئت منظم و سامان یافته‌ای پیدا کرد و به تدریج با پدیده‌ها و عناصر فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و هنری دیگری چون روضه‌خوانی، واقعه‌گویی، نقالی، شبیه‌سازی، شبیه گردانی و امثال آن‌ها در آمیخت و سرانجام در اواخر دوره صفویان به صورت کنونی درآمد» (شهیدی، ۱۳۸۰، ۶۳).

بهرام بیضایی نیز به مانند عنایت‌الله شهیدی عقیده دارد که در آخر نیم‌قرن دوره صفویه نمایش تعزیه وارد آخرین مرحله تحول خود می‌شود و به شکل کنونی درمی‌آید. او در مورد سیر تکاملی تعزیه بیان می‌دارد: «ابتدا دسته‌هایی بوده‌اند که به کندی از برای تماشاچیان می‌گذشته‌اند و با سینه زدن و زنجیر زدن و کوبیدن سنج و نظایر آن، و حمل نشانه‌ها و علم‌هایی که بی‌شبهت به افزارهای جنگی نبوده و نیز هم‌آوازی و هم‌سرایی در خواندن نوحه، ماجرای کربلا را به مردم یادآوری می‌کردند. در مرحله بعد آوازهای دسته‌جمعی کمتر شد و نشانه‌ها بیشتر، و یکی دو واقعه خوان، ماجرای کربلا را برای تماشاگران نقل می‌کردند و سنج و طبل و نوحه آن‌ها را همراهی می‌کرده است. چندی بعد به جای نقالان شبیه چند تن از شهدا را به مردم نشان دادند که با شبیه‌سازی و لباس‌های نزدیک به واقعیت می‌آمدند و مصایب خود را شرح می‌دادند. مرحله بعدی گفت و شنید شبیه‌ها بود با هم و بعد پیدایش بازیگران. شاید در آخرین نیم‌قرن دوره صفویه، تعزیه تحول نهایی خود را طی کرد و به آن شکلی که می‌شناسیم درآمد» (بیضایی، ۱۳۵۵، ۱۲۰).

همان‌طور که می‌دانیم در بیشتر نسخه‌ها و متون تعزیه و حتی اجراهای گوناگون آن تأکید بیشتر بر حادثه عاشورا و شهادت امام حسین (ع) و یاران اوست، از همین روی ارائه‌دهندگان این پژوهش با توجه به جایگاه بلند و قابل توجه پیامبر (ص) در جامعه اسلامی و بازتاب آن در بعضی از نسخه‌های تعزیه با توجه به ضرورت این موضوع، مهم‌ترین هدف خود را معرفی، بررسی و شناخت نقش و جایگاه پیامبر اسلام (ص) در

پنج نسخه از این مجالس به دانشجویان و علاقه‌مندان به هنر تعزیه می‌دانند. نویسندگان این مقاله پس از مطالعه و بررسی تعداد قابل توجهی از کتاب‌ها و مقالات معتبر در مورد تعزیه، به پژوهش‌هایی با موضوعات متنوع از محققین ایرانی و خارجی برخورد نمودند؛ عنایت‌الله شهیدی در کتاب کامل و جامع خود «پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی» که حاصل سال‌ها تحقیق پیرامون تعزیه بوده (و به‌عنوان پژوهش فرهنگی برگزیده سال ۱۳۷۹ انتخاب شده) به شکل‌گیری، تحول و کارکرد تعزیه پرداخته است.

پیترجی، چلکووسکی در کتاب «تعزیه: آیین و نمایش در ایران» به گردآوری مقالاتی در مورد تعزیه پرداخته و خود در مقاله‌ای تعزیه را نمایش بومی پیشرو و در ایران دانسته است. احسان یارشاطر در کتاب فوق طی مقاله‌ای با عنوان «تعزیه و آیین‌های سوگواری در ایران قبل از اسلام» ارتباط تعزیه را با آیین‌های سوگواری قبل از اسلام در ایران از قبیل سوگ سیاوش و یادگار زریان کاویده و پرویز ممنون در مقاله‌ای در همان کتاب تعزیه را از دیدگاه تئاتر غرب بررسی کرده است. محمد جعفر محجوب نیز در مقاله‌ای تأثیر تئاتر اروپایی و نفوذ روش‌های نمایش آن در تعزیه را توضیح می‌دهد و آندرزچ ویرث نیز در همان کتاب مقاله‌ای با عنوان جنبه‌های نشانه‌شناختی تعزیه دارد. پژوهشگران این تحقیق در نهایت به تحقیقی که به صورت تخصصی پیرامون شخصیت حضرت محمد (ص) در نسخه‌های تعزیه باشد، برخورد نکردند. فقط صادق همایونی در قسمتی از کتاب تعزیه در ایران به تجزیه و تحلیل تعزیه قاسم (ع) می‌پردازد. آن هم نه با تأکید بر نقش محوری و جایگاه ویژه حضرت قاسم (ع). همایونی در ابتدا داستان این نسخه را در چند صفحه شرح می‌دهد و سپس به بعضی از ویژگی‌های این مجلس از جمله، تجلی سنت‌های اصیل ایرانی، شهادت و فداکاری زنان، نقش محوری امام حسین (ع) و ... در این تعزیه (تعزیه قاسم (ع)) می‌پردازد. او در قسمت‌هایی از این تحقیق بیان می‌دارد:

«در این تعزیه، همانند بسیاری از تعزیه‌ها، حسین(ع)، تصمیمات حسین(ع)، اندیشه‌ها و خواسته و گفته‌های حسین(ع) مرکز و نیز محور حوادث و پیشامدهاست. اوست که گاه از تنهایی دردناک خود، در برهوت زیست می‌نالد و از یاران و امت پیمان گسل و عهد نپای خویش، که همه انسان‌هایی با همه نقاط ضعف یک بشرند فریاد برمی‌دارد و به نیای پاک خویش (پیامبر) شکایت می‌برد!

ای جد نامدار ز امت هزار داد!

هرگز کسی به ملک غریبی چو من مباد  
(همایونی، ۱۳۸۰، ۹۱۶)

خداوند بزرگ اطاعت خودش را در اطاعت پیامبر گرامی اسلام(ص) قرار داده است. حضرت محمد(ص) و اوصیای او در هدایت مردم از هر گونه لغزش و اشتباهی مبرا هستند و به همین خاطر است که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدای را فرمان برید و پیامبر و صاحبان امر را که از شمایند، فرمان برید...»  
(نساء، ۵۹).

اقتدا کردن مسلمانان به حضرت محمد(ص)، اسوه بودن و جایگاه بلندمرتبه او در جامعه اسلامی و در میان مسلمانان واجب و ضروری است چنان که پروردگار جهان در این باره می‌فرماید: «البتة شما را به رسول خدا (چه در صبر و مقاومت با دشمن و چه دیگر اوصاف و افعال نیکو) اقتدایی نیکوست، برای آن کس که به (ثواب) خدا و روز قیامت امیدوار باشد و یاد خدا بسیار کند» (احزاب، ۲۱).

و باز خداوند در سوره حشر درباره اهمیت نقش پیامبر و جایگاه محوری او در جامعه اسلامی می‌فرماید:

«... و شما آنچه رسول حق دستور دهد بگیرید و هر چه نهی کند واگذارید و از خدا بترسید که عقاب خدا بسیار سخت است» (حشر، ۷).

از این آیات به خوبی روشن می‌شود که حضرت محمد(ص) در میان امت خویش از چه نقش والا و جایگاه اجتماعی رفیعی برخوردار بوده است. «لااقل از

جنبه نظری نزد همگان مقبول و مسلم است که گفتار، کردار و تقریر پیامبر(ص) حجت است و دلیل حکم شرعی... این بدان معنی است که باید برای شناخت مسائلی که شناخت آن، بر مکلفان واجب است، در چارچوب التزام به احکام شرعی و تأسی به رسول اکرم(ص) از گفتار، کردار و موضع‌گیری آن حضرت پیروی کنند» (عاملی، ۱۳۸۸، ۳۷).

جایگاه ویژه و بلند حضرت محمد(ص) در میان مسلمین نیاز به توضیح ندارد. قدر و شأن پیامبر و اهل بیت‌اش در میان مسلمانان بسیار عظیم می‌باشد به طوری که در تک تک هنرهای اسلامی نیز این شأن و مرتبه به روشنی هویدا است. به عنوان نمونه در تعزیه که می‌توان آن را هنری مختص شیعیان دانست نقش و جایگاه پیامبر(ص) و اهل بیتش(ع) بسیار پر رنگ و محوری است.

#### روش تحقیق

نویسندگان این پژوهش پس از جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای که شامل کتاب‌ها، مقالات مرتبط و همچنین نسخه‌های معتبر تعزیه بود، آغاز به بررسی مجالس تعزیه کردند. از میان مجالس زیادی که مورد بررسی قرار گرفت پنج مجلس: خبر آوردن جبرئیل بر پیغمبر(ص) که امام حسن(ع) از زهر شهید شود و امام حسین(ع) را در کربلا به ستم شهید کنند؛ وفات پیغمبر(ص)؛ بیماری حسنین؛ تولد حضرت زینب(س) و تولد امام حسین(ع) با توجه به نقش محوری که پیامبر(ص) در آن‌ها داشت انتخاب شدند. در ابتدا خلاصه‌ای از هر مجلس آورده شده است و سپس به ویژگی‌های شخصیتی پیامبر(ص) با توجه به نقش و جایگاه اجتماعی آن حضرت در هر نسخه طبق جداولی مجزا همراه با نمونه‌ها و مثال‌هایی از ویژگی‌های شخصیت پیامبر(ص) که از متون تعزیه مربوطه آورده شده، در ذیل هر جدول اشاره می‌شود. در ادامه در دو جدول جداگانه ویژگی‌های تکرار شونده شخصیت پیامبر اسلام(ص) و ویژگی‌های کلی آن

حضرت در پنج نسخه مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد.

### خلاصه مجالس تعزیه و ویژگی‌های شخصیتی حضرت محمد(ص)

مجلس اول: «خبر آوردن جبرئیل بر پیغمبر (ص) که امام حسن(ع) از زهر شهید شود و امام حسین(ع) را در کربلا به ستم شهید کنند» (اقبال، ۱۳۵۵، ۲۵).

خلاصه مجلس: در شروع این نسخه جبرئیل بر پیامبر نازل می‌شود و خبر شهادت امام حسن و امام حسین(ع) را در آینده می‌دهد. جبرئیل در ابتدا از پیامبر می‌خواهد که به شهادت آن‌ها رضایت دهد. حضرت محمد(ص) چون می‌داند که رضای خداوند سبحان در آن است راضی به این امر می‌شود. سپس جبرئیل از پیامبر می‌خواهد که این خبر را به علی(ع) و فاطمه(س) برساند و رضایت آن‌ها را نیز بگیرد. هر چند رساندن این پیام به داماد و دخترش بسیار سخت است ولی پیامبر این کار را انجام می‌دهد. حضرت علی(ع) و حضرت فاطمه(س) نیز به حکم خدا رضایت می‌دهند زیرا اگر چه فرزندانشان شهید می‌شوند ولی شافع و شفیع امت در روز قیامت می‌شوند. در ادامه حضرت فاطمه(س) از پدرش درخواست می‌کند که چون به گفته او (حضرت محمد(ص)) در زمان شهادت فرزندان در دنیا نیست اکنون برای آن‌ها نوحه‌سرایی کند. پیامبر قبول می‌کند و سرانجام تعزیه با عزاداری حضرت فاطمه، اهل بیت پیامبر و زنان بنی هاشم برای امام حسن و امام حسین(ع) به پایان می‌رسد.

جدول ۱: ویژگی‌های شخصیت پیامبر اسلام (ص) با توجه به نقش و جایگاه اجتماعی آن حضرت در نسخه یک:

نسخه یک: خبر آوردن جبرئیل بر پیغمبر (ص) که امام حسن(ع) از زهر شهید شود و امام حسین(ع) را در کربلا به ستم شهید کنند.

۱. آگاه شدن پیامبر از شهادت امام حسن و امام حسین(ع) در آینده به وسیله فرشته الهی (جبرئیل)
۲. رضایت حضرت محمد(ص) از حکم خداوند و شهادت نوه‌هایش در آینده در قبال بخشیده شدن گناهان امت خویش
۳. مأموریت پیامبر از طرف جبرئیل برای رساندن خبر شهادت امام حسن و امام حسین در آینده، به پدرشان حضرت علی
۴. گرفتن رضایت حضرت علی(ع) از شهادت فرزندان در آینده توسط پیامبر در قبال شفیع شیعیان شدن اهل بیت در روز قیامت
۵. مأموریت دوباره پیامبر از سوی جبرئیل برای رساندن خبر شهادت امام حسن و امام حسین(ع) در آینده به مادرشان حضرت فاطمه
۶. گرفتن رضایت حضرت فاطمه از شهادت فرزندان در آینده توسط پیامبر در قبال شفیع و شافع امت شدن اهل بیت در روز قیامت
۷. پیامبر از سرنوشت خود، حضرت فاطمه(س) و حضرت علی(ع) در زمان شهادت نوه‌هایش پرده برمی‌دارد
۸. پیشگویی حضرت محمد(ص)، از عزاداری و تعزیه‌داری شیعیان در آینده به خاطر امام حسن و امام حسین
۹. پیامبر به حضرت فاطمه اجازه می‌دهد که چون در زمان شهادت امام حسن و امام حسین از دنیا رفته است اکنون برای آن‌ها عزاداری نماید
۱۰. پیامبر در عزاداری نمادینی که حضرت فاطمه برای فرزندان به پا کرده است شرکت می‌کند و برای نوه‌هایش عزاداری می‌نماید
۱۱. آگاه شدن امام حسین از سرنوشتش در آینده توسط جد گرامی‌اش حضرت محمد(ص)
۱۲. پیامبر پاداش عزاداران و تعزیه‌داران امام حسین و اهل بیتش را باغ بهشت اعلام می‌نماید
۱۳. پیامبر دستور پایان عزاداری و تعزیه را صادر می‌فرماید

نمونه‌ها و مثال‌هایی از جدول یک:

۱- پیامبر(ص) به وسیله جبرئیل از سرنوشت نوه‌هایش (امام حسن و امام حسین) آگاه می‌شود:  
جبرئیل: ز دست چرخ جفا در آن زمانه حسن کند ز راه جفا پاره جگر به لگن حسین بی‌کس تو در زمین کرب و بلا شود شهید به دست مخالفان دغا (اقبال، ۱۳۵۵، ۲۵)

۵- پیامبر(ص) از سوی جبرئیل دوباره مأموریت می‌یابد که این بار خیر شهادت امام حسن و امام حسین را به مادرشان برساند:  
جبرئیل: شوم فدای تو، ای زیب بخش عرش برین به درگه تو کمین چاکر است روح الامین در این معامله شرط است اذن دختر تو نشد تمام، به اذن تو و برادر تو (همان)

۲- پیامبر(ص) رضایت خود را از شهادت نوه‌هایش در مقابل بخشیدن گناهان امتش اعلام می‌کند:  
پیغمبر: ایا برادر من، پیک حضرت سبحان بدان که حکم خدا متی بود بر جان یقین بدان که اگر هست بهر امت من بدان که راضیم ای پیک حضرت ذوالمن (همان، ۲۶)

۶- حضرت فاطمه (س) نیز رضایت خود را از شهادت فرزندانش اعلام می‌نماید از آنکه می‌داند که آن‌ها شفیع شیعیان در روز قیامت می‌شوند:  
پیغمبر: بیا عزیز پدر، تکیه‌گاه امت شو صباح روز قیامت، پناه امت شو که این مجله به مهر تو استوار شود برای امت من بر مراد کار شود حضرت فاطمه: برای امت اگر خواستند دلشادم به این مصیبت عظمی کنون رضا دادم (همان، ۲۹)

۳- حضرت محمد(ص) به وسیله جبرئیل مأموریت می‌یابد که خبر شهادت نوه‌هایش را به حضرت علی(ع) برساند:  
جبرئیل: که ای سرآمد عالم، مخاطب لولاک به حضرت تو دعا می‌رساند ایزد پاک در این قضیه رضای علی ضرورتر است تو جد امجدشانی، ولی علی پدر است (همان)

۷- حضرت محمد(ص) از سرنوشت خودش، حضرت علی(ع) و حضرت فاطمه(س) در زمان شهادت امام حسن و امام حسین پرده برمی‌دارد:  
پیغمبر: در آن زمان، نه تو باشی، نه مرتضی و نه من غریب کشته شوند این دو نونهای چمن تو، در ریاض جنان، تختگاه خواهی داشت ولی دو دیده حسرت به راه خواهی داشت من و علی هم از این دهر رفته‌ایم به در کشیده باده رحلت زجام مرگ به سر (همان)

۴- حضرت علی(ع) رضایت خود را از شهادت فرزندانش که شفیع شیعیان در روز قیامت می‌شوند اعلام می‌نماید:  
حضرت امیر: شوم فدای تو، ای اولین وجود جهان رضا شدم که شود نور دیده‌ام قربان گواه باش تو، ای جبرئیل، پیک خدا قبول کرده‌ام این امر را به حکم خدا (همان، ۲۷)

۸- پیامبر(ص) تعزیه‌داری شیعیان در آینده را برای حضرت فاطمه(س) پیشگویی می‌کند:  
پیغمبر: یقین بدان تو که بعد از شهادت حسین گروه شیعه حیدر به دوستی حسین

تمام با دل پر خون، دریده جامه به تن  
رسد چو موسم قتل دو نور دیده من  
کنند تازه به هر سال ماتم شهدا  
برای تعزیه سازند جان خویش فدا

(همان)

۹- پیامبر(ص) به حضرت فاطمه(س) اجازه می‌دهد  
که چون در زمان شهادت فرزندانش وفات یافته است  
اکنون برای آن‌ها عزاداری کند:

پیغمبر: برو به تعزیه‌داری هر آنچه خواهی کن  
ز گریه خون به دل ماه تا به ماهی کن  
برو برای عزا لاله زار کن رو را  
ز دست چرخ پریشان بساز گیسو را

(همان، ۳۰)

۱۰- پیامبر(ص) به میان دو قبر نمادینی که حضرت  
فاطمه(س) برای فرزندانش ساخته است می‌آید و  
برای نوه‌هایش عزاداری می‌کند:

پیغمبر: فدای قبر شما بی‌کسان اولادم  
عبث نبود که دل را به سیل غم دادم  
دو نو نهال ز باغم فتد به خاک هلاک  
دو جا زند تف آهم شراره در افلاک  
ز خون کسوف کند هر دو مهر از برجم  
برد زمانه به یغما دو گوهر از در جم  
فدای جان شما جان حضرت نبوی

هلاک مرقدتان نام احمد عربی

(همان، ۳۲)

۱۱- امام حسین(ع) علت عزاداری مادرش و جدش  
را سؤال می‌کند و حضرت محمد(ص) این‌گونه پرده  
از اتفاقات آینده برمی‌دارد:

پیغمبر: فدای جان تو من، ای شکسته مقتول  
چه گونه صبر کند در مصیبت تو رسول؟  
توی غریب، تویی بی‌برادر و خواهر  
تویی اسیر بلا، تشنه‌کام و خسته‌جگر

تویی که در لب آب فرات با دل چاک  
ز خون حلق تو گلگون کنند صفحه خاک  
(همان، ۳۳)

۱۲- سؤال امام حسین(ع) از پیامبر(ص) در مورد  
پاداش کسانی که برای آن‌ها عزاداری کنند:

امام حسین: فدای جان تو ای پیشوای خلق خدا  
رسیده نوبت بخشش کنون به سوی شما  
هلاک نام تو، جدا بکن مرا دل شاد

جزای تعزیه‌داران من چه خواهی داد؟  
پیغمبر: شوم فدای تو ای نور هر دو دیده تر

عزیز فاطمه و نور چشم پیغمبر  
گریست هر که برای تو، ای ستم دیده  
به باغ خلد نشیند به جای بگزیده  
(همان، ۳۵ و ۳۶)

۱۳- جبرئیل به خدمت پیامبر می‌رسد و به او عرض  
می‌کند که به خاطر عزاداری شما در عالم لاهوت و  
عالم ملکوت شورشی برپا شده است:

جبرئیل: سلام من به تو ای افتخار کون و مکان  
دگر سلام و تحیت ز خالق دو جهان  
که یا رسول، نظر کن به عالم لاهوت  
بین چه شورشی افتاده است در ملکوت  
که چون جناب شما در زمین عزادارید  
صدای نوحه و واحسرتا به عرش رسید

پیامبر(ص) در این جا رو به دخترش حضرت فاطمه  
می‌کند و به پایان عزاداری دستور می‌فرماید:

ای نور دل و دو دیده من  
آرام دل رمیده من  
اندر ملکوت پر فغان شد

ماتم زده کل آسمان شد  
خاموش شو، ای دل و روانم  
کز ناله تو بسوخت جانم  
(همان، ۳۷)

## مجلس دوم: وفات پیغمبر(ص) (اقبال، ۱۳۵۵، ۴۱)

خلاصه مجلس: همان‌طور که از عنوان تعزیه پیداست داستان این مجلس مربوط به روزهای آخر زندگی پیامبر گرامی است. این مجلس با مناجات پیامبر اسلام با خداوند شروع می‌شود. حضرت محمد(ص) از زندگی دنیای فانی خسته شده و هوای وصال و نزدیکی به خداوند را در سر دارد. بنا به فرمان الهی جبرئیل به حضرت محمد(ص) می‌گوید که به مسجد برود و حضرت علی(ع) را به جانشینی خود انتخاب کند. در مسجد به مردم بگوید که اهل بیتش را دوست داشته باشند و کتاب الهی (قرآن) را احترام کنند و آن را تغییر ندهند. پیامبر نیز چنین می‌کند، سپس حضرت محمد رو به مسلمانان می‌کند و به آنان می‌گوید اگر کسی حقی به گردنش داشته باشد آماده جبران آن است. مردی سواده نام در ابتدا ادعای قصاص می‌نماید و در نهایت پیامبر را حلال می‌نماید و اظهار تقصیر می‌کند. بعد از اتفاقاتی که در مسجد می‌افتد پیامبر به خانه می‌رود با حضرت علی(ع) و حضرت فاطمه گفتگو می‌کند و با امام حسین(ع) و حضرت زینب(س) نیز از سرنوشتی که در آینده در انتظار آنان است سخن می‌گوید و سرانجام با اجازه خود پیامبر است که عزرائیل به خانه وارد شده و با فروتنی پیامبر را آماده رفتن به عالم دیگر می‌کند. در پایان، تعزیه با عزاداری و نوحه‌سرایی اهل بیت پیامبر و حضرت فاطمه به پایان می‌رسد.

جدول ۲: ویژگی‌های شخصیت پیامبر اسلام (ص) با توجه به نقش و جایگاه اجتماعی آن حضرت در نسخه دو

نسخه دو: وفات پیغمبر(ص)
۱. تعزیه با مناجات حضرت محمد(ص) با پروردگار خویش شروع می‌شود.
۲. خسته شدن پیامبر از زندگی دنیایی و حق انتخاب آن حضرت از سوی خداوند برای زندگی این دنیا یا زندگی در عالم دیگر.
۳. پیامبر از طرف جبرئیل به فرمان خداوند دستورات مهمی را دریافت می‌کند تا قبل از ترک دنیا آن‌ها را انجام دهد.
۴. آخرین سخنان و وصیت‌های مهم حضرت محمد به امت خود در مسجد قبل از رحلت.
۵. تقاضای پیامبر از مسلمانان در صورت ضایع شدن حق کسی و حق یکی از مسلمانان به نام سواده بر گردن حضرت محمد(ص).
۶. بخشش سواده و دعای پیامبر برای بخشیدن گناهان امت مسلمان خویش.
۷. حضرت محمد از حوادثی در مورد اهل بیتش خبر می‌دهد و پرده از اتفاقات ناگوار آینده برمی‌دارد.
۸. آخرین وصیت‌های حضرت محمد(ص) به حضرت علی(ع) قبل از وفات.
۹. آخرین درخواست پیامبر از فرشته الهی عزرائیل در مورد امتش قبل از رحلت.
۱۰. گفتگوی آخر پیامبر با جبرئیل در مورد امت خویش قبل از وفات.

نمونه‌ها و مثال‌هایی از جدول دوم:

- ۱- در ابتدای تعزیه حضرت محمد(ص) با پروردگار خویش راز و نیاز می‌نماید:
- سپاس می‌کنم از دل، ای خدای کریم  
چه شکرها که بگویم به حضرتت، یا رب  
به من تو خلعت لاریب را فرستادی  
پس از سپاس و سلام و درود با تعظیم  
برون چه گوید نهم پای خویش را ز ادب  
خطاب آیه لولاکی را به من دادی  
(همان، ۴۱)



۲- خسته شدن پیامبر از زندگی در این دنیا و اجازه انتخاب به او برای زندگی دنیا یا زندگی جهان باقی. پیغمبر با پروردگار مناجات می‌کند:  
کنون هوای وصال تو را به سر دارم  
هوای وصل خداوند دادگر دارم  
دل من ز زندگی خویشتن به تنگ آمد  
چرا که شیشه خود داری ام به سنگ آمد  
جبرئیل به پیغمبر عرض می‌کند:  
مخیر است جناب تو به حیات و ممات  
رواست امر تو در نزد قاضی الحاجات  
ز هر کدام که خواهی به اختیار تو است  
ز راه رفعت قدر بزرگوار تو است  
(همان)

۳- فرمان جبرئیل از طرف خداوند به حضرت محمد(ص) قبل از ترک دنیا:  
شوم فدای تو، ای بهترین پیغمبر  
برو به مسجد و تبلیغ کن تو بار دگر  
علی ولی خدا را به جای خود بگذار  
تمام امت بیچاره را به او بسپار  
...کسی به غیر علی نیست جانشین نبی  
به جای تو ننشیند کسی به غیر علی  
(همان، ۴۲)

۴- وصیت‌های آخر پیامبر(ص) به مسلمانان در مسجد:  
ایا، گروه عرب از مهاجر و انصار  
رسید نوبت رفتن مرا به دار قرار  
...وصیت است مرا این زمان به امر خدا  
که بایدم به شما امتان نمود القا  
نخست آن که به اولاد من ستم نکنید  
دوم کلام خدا را زیاد و کم نکنید  
...علی، ولی خدا و وصی من باشد  
وصی و وارث من ذات بوالحسن باشد  
... کسی به غیر علی نیست جانشین نبی  
به جای من ننشیند کسی به غیر علی (همان، ۴۳)

۵- حق سواده بر گردن پیامبر گرامی اسلام (ص) پیغمبر خطبه می‌فرماید:  
دگر هر آن که ز یاران و از هواداران  
بود قصاصی و حقی زمن در این دوران  
ز من طلب کند امروز اندر این دنیا  
که نیست تاب ستم در قیامت به خدا  
سواده: در آن زمان که ز طایف به دولت اقبال  
به سوی شهر رسیدیم بهر استقبال  
در آن میانه روان من هم از کسان بودم  
به پای بوس تو از شوق دل روان بودم  
تو تازیانه برآوردی، ای رسول مجید  
که تا به ناقه زنی، آن مرا به کتف رسید  
من دردمند و خسته و تو گنج رحمتی  
آماده قصاصم اگر هست رخصتی  
من هم یکی ز امت بیچاره توأم  
غافل مشو ز من که تو در فکر امتی  
(همان، ۴۴ و ۴۳)

۶- سواده پیامبر(ص) را می‌بخشد و پیامبر(ص) برای بخشش گناهان امت خود دست به دعا برمی‌دارد.  
سواده: فدای جان تو من، ای جناب پیغمبر  
تو را حلال نمودم به عرصه محشر  
به کام خویش رسیدم، همین مرادم بود  
امیدوار شدم از تو، ای رسول ودود  
وگرنه من ز کجا و قصاص کردن تو  
زهی مؤاخذه باشد خلاص کردن تو  
پیغمبر(ص) مناجات می‌کند:  
بزرگوار خدایا، ببخش امت من  
به حق پادشهی تو و رسالت من  
...ببخش جمله گناهان امتان مرا  
بزرگوار خدایا، به حق آل عبا  
(همان، ۴۸ و ۴۷)

۷- پیامبر(ص) و خبر از حوادث آینده در مورد اهل بیتش. پیغمبر به حسنین می‌فرماید:

خوری چون زهر، ای معصوم و غمناک  
 کجایم خون زلب هایت کنم پاک؟  
 بجز زینب که ریزد خاک بر سر  
 نه جدی داری آن روز و نه مادر  
 یا حسین، حنجر گلوی نازکت خواهد برید  
 بر گلویت شمر نامی تیغ کین خواهد کشید  
 چون رسد بر حلق خشکت تیغ دشمن، نور عین  
 زیر خنجر، کن دعا بر امت من، یا حسین  
 شو رضا تا خواهرت، زینب، شود خوار و اسیر  
 تا گنه کاران امت را تو باشی دست گیر  
 (همان، ۵۱)

۸- آخرین وصیت‌های پیامبر(ص) به حضرت  
 علی(ع):  
 که یا علی، تو دمی گوش بر وصیت کن  
 هر آنچه گویمت، از جان و دل، اطاعت کن  
 تویی ز بعد من، ای پادشاه دین در این عالم  
 خلیفه و وصی من به زمره آدم  
 مخالفان جفا جو، اگر ز راه عناد  
 به پا کنند ز بهر خلافت تو فساد  
 مباد قهر یداللهیت به جوش آید  
 که از صلابت تو چرخ در خروش آید  
 به گوشه‌ای بنشین و به صبر شو دمساز  
 که حق به مرکز خود تا قرار گیرد باز  
 (همان، ۵۳)

۹- آخرین خواسته پیغمبر از عزرائیل در مورد امتش  
 قبل از رحلت:  
 یقین بدان که دلم از جهان گرفته بسی  
 توقع است که مهلت دهی به من نفسی  
 که جبرئیل بیاید ز عالم بالا  
 کنم وداعش و مشغول شو به امر خدا  
 که من نه کار به جسم و نه فکر جان دارم  
 هزار گونه الم بهر امتان دارم  
 (همان، ۵۷)

۱۰- آخرین گفتگوی پیامبر با جبرئیل در مورد امتش  
 قبل از رحلت:  
 پیغمبر: برای امت خود عقده‌ای به دل دارم  
 که متصل ز برای همین در آزارم  
 به خاطرم نرسد دردهای امت خویش  
 دلی گذاخته دارم ز داغ امت خویش  
 بگو به من، به قیامت که عالم دگر است  
 برای امت بی‌چاره‌ام چه در نظر است؟  
 به پای امت من، گو رود اگر خاری  
 برای بار دلم درد اوست سر باری  
 ندانم آن که چه خواهد نمود رب جلیل  
 به امتان گنه‌کار من، ایا جبرئیل  
 جبرئیل: که ای وجود تو زینت فزای عرض جلیل  
 که خاک مقدم تو کحل دیده جبرئیل  
 ز امتان تبه روزگار بدکردار  
 ز عاصیان خطا پیشه معاصی کار  
 ز مرحمت به تو بخشد خدای رب و دود  
 به آن قدر که تو گردی در آن زمان خشنود  
 کلید دوزخ و جنت بود به دست شما  
 که هر چه خواسته باشی بکن تو ای مولا  
 (همان، ۵۹)

مجلس سوم: بیماری حسنین یا حسن و حسین  
 (همايونی، ۱۳۸۰، ۷۷۱)  
 خلاصه مجلس: این تعزیه با دعای اهل بیت پیامبر  
 برای مسلمین در روز قیامت شروع می‌شود و سپس  
 با گفتگوی امام حسن (ع) و امام حسین (ع) بر این  
 موضوع که کدام یک از آن‌ها در نزد پیامبر گرامی  
 عزیزتر هستند و صحبت‌های پیامبر با نوه‌هایش به  
 پیش می‌رود. در ادامه امام حسن و امام حسین بیمار  
 می‌شوند و پیامبر خدا به درگاه الهی برای شفاعت  
 نوه‌هایش دعا می‌کند. جبرئیل نازل می‌شود و به  
 حضرت محمد(ص) می‌فرماید که خداوند نوه‌هایش  
 را شفا داد و امر به سه روز، روزه‌داری فرمود. پیامبر و  
 اهل بیتش، سه روز روزه می‌گیرند و غذای خود را در

هنگام افطار به فقری گرسنه می‌دهند. در نهایت خداوند به پاس این ایثار غذایی از بهشت برای آن‌ها می‌فرستد.

جدول ۳: ویژگی‌های شخصیت پیامبر اسلام (ص) با توجه به نقش و جایگاه اجتماعی آن حضرت در نسخه سه

نسخه سه: بیماری حسنین(ع) یا حسن و حسین(ع)
۱. دعای حضرت علی برای گناهکاران امت با واسطه قرار دادن پیامبر گرامی اسلام.
۲. امام حسن و امام حسین(ع) از حضرت محمد(ص) سؤال می‌نمایند که کدام یک از آن‌ها در نزد او عزیزتر است و پیامبر جواب آن‌ها را می‌دهد.
۳. رمز رفتار پیامبر با نوه‌هایش امام حسن و امام حسین(ع) از زبان حضرت فاطمه.
۴. حضرت محمد پرده از روی اتفاقات ناگوار آینده در مورد سرنوشت نوه‌هایش برای مادرشان حضرت فاطمه برمی‌دارد.
۵. بیماری حسنین و پناه بردن حضرت علی و حضرت فاطمه به پیامبر و سرانجام دعای پیامبر برای شفاعت نوه‌هایش.
۶. نازل شدن جبرئیل بر پیامبر و وعده شفای امام حسن و امام حسین(ع) با نیت سه روز روزه و امر پیامبر به اهل بیت برای گرفتن روزه به نیت شفای حسنین.
۷. شفا یافتن حسنین، نازل شدن جبرئیل و سرانجام شکر درگاه الهی به وسیله حضرت محمد(ص).
۸. تقسیم غذای افطار توسط پیامبر در میان اهل بیت خود.
۹. بخشیدن غذای افطار توسط پیامبر و اهل بیتش به فقیر گرسنه.
۱۰. ضعف شدید حسنین بعد از سه روز روزه‌داری، دعای حضرت فاطمه و سرانجام رسیدن غذای بهشتی به وسیله فرشته الهی به دست پیامبر(ص).

نمونه‌ها و مثال‌هایی از جدول سوم:

۱- حضرت علی(ع) با واسطه قرار دادن پیامبر برای گناهکاران امت دعا می‌فرماید:  
یا رب بحق روی دلارای مصطفی  
ای خالق خلائق دوران و آسمان  
...در روز حشر دست همه دامن حسین  
یا رب ز روی لطف به آن بی‌کسان رسان (همایونی، ۱۳۸۰، ۷۷۱)

۲- سؤال امام حسن و امام حسین از حضرت محمد(ص) در مورد عزیزتر بودن کدام یک از آن‌ها در نزد او.  
امام حسن(ع):

ولی میان حسین و من ای رسول خدا  
اگر که هست تفاوت به من بیان فرما  
امام حسین(ع):  
یقین من شده حاصل، به نزدت ای مولا  
حسن عزیزتر است از حسین به نزد شما  
پیامبر(ص):

حسن و امام حسین از بیماری. پیامبر(ص):  
 بار الها این عزیزان منند و جان ما  
 مصحلت گر هست برایشان عنایت کن شفا  
 ...ایا کریم شفا ده تو از ره احسان  
 به این دو کودک من در زمانه، ای سبحان  
 بده شفا ز کرم ای مهیمن بی چون  
 شده است از غم و اندوه دیده‌ام پر خون  
 (همان، ۷۸۵ و ۷۸۳)

۶- جبرئیل برای شفای حسنین امر به سه روز  
 روزه‌داری می‌کند و پیامبر به اهل بیت خود این پیام  
 را اعلام می‌نماید:  
 جبرئیل: بدان برای شما برگزیده ثقلین  
 نموده امر خداوند خالق کونین  
 سه روز روزه بدارید از طریق وفا  
 کنید نیت این روزه را برای شما  
 پیامبر: ایا گروه حرم جملگی به شیون و شین  
 کنید نذر سه روز از صیام بهر حسنین  
 برای آن که خدا چون شفا عطا سازد  
 به نذر خویش هر آنکس که کرد پردازد  
 (همان، ۷۸۵ و ۷۸۴)

۷- امام حسن و امام حسین شفا می‌یابند، جبرئیل نازل  
 می‌شود و پیامبر سجده شکر به جای می‌آورد:  
 حسنین: سلام ما به جمال تو یا رسول الله  
 ز رحمت تو شفا یافتیم عون الله  
 جبرئیل نازل می‌شود: بشارتست ترا ای رسول ربانی  
 ز بارگاه خداوندگار سبحانی  
 ز تب تن حسنین را چو می‌رهانیدیم  
 قبول نذر تو کردیم جملگی خواندیم  
 پیامبر: هزار مرتبه شکر ای مهیمن معبود  
 بود برای تو هر صبح و شب قیام و قعود  
 (در حالی که سر بر سجده می‌نهد)  
 نهم به خاک سر سجده حضرت باری  
 که بر حسین و حسن خلعت شفا دادی  
 (همان، ۷۸۶ و ۷۸۵)

دو اخترید فروزان ز آفتاب تنم  
 طلوع کرده‌اید از هر دو جانب بدنم  
 تفاوتی به میان تو و حسینم نیست  
 تو چشم راست و اوست چپم همین کافیت  
 (همان، ۷۷۶ و ۷۷۵)

۳- امام حسین از مادرش حضرت فاطمه(س) علت  
 رفتار پیامبر را سؤال می‌نماید و حضرت فاطمه (س)  
 رمز این رفتار را بیان می‌نماید:  
 امام حسین: پس ای حزینۀ چرا جدّ من بدرد و محن  
 گلوی من بمکید و دهان پاک حسین؟  
 سؤال کردم و با من بگفت سرّ نهران  
 اگر ترا خبری هست کن ورا تو بیان  
 حضرت فاطمه: بلی چنین خبری دارم از طریق وفا  
 گلو بریده شوی تو به دشت کرب و بلا  
 حسن برادر تو زهر کینه می‌نوشد  
 به هر رخت شهادت به تن چو می‌پوشد  
 (همان، ۷۷۸)

۴- پیامبر و بیان کردن گوشه‌ای از اتفاقات آینده در  
 مورد سرنوشت نوه‌هایش به حضرت فاطمه(س).  
 پیامبر(ص):  
 فاطمه فرزند من زین راز پنهان غم مخور  
 بس مکن خون دل از چشمان بد امان غم مخور  
 گر چه حق دارد حسین، از وی خجالت می‌کشم  
 از گلویش کربلا گردد گلستان غم مخور  
 با حسینم گو گلویت را که جدّت بوسه داد  
 می‌شود قطع از دم شمشیر بران غم مخور  
 با حسینم گو که بوسیدم حسن را گر دهان  
 می‌شود از زهر اعداد راز سوزان غم مخور  
 با حسینم کو ترا دارم شفاعت می‌کنم  
 می‌شوی از بهر این امت تو قربان غم مخور  
 (همان، ۷۷۹)

۵- دعای حضرت محمد(ص) برای شفاعت امام

۸- حضرت محمد(ص) غذای افطار را بین اهل بیت خود تقسیم می‌کند. پیامبر(ص):  
ایا کننده خبیر قسیم جنت و نار  
بگیر قسمت خود را تو حیدر کرار  
یکی از آن تو ای فاطمه عزیز زمن  
بگیر حصه خود را ایا امام حسن  
یکی ز حسین شافع صف محشر  
یکی دیگر بود از فضا حمیده سیر  
(همان، ۷۸۹ و ۷۸۸)

۹- بعد از تقاضای کمک از سوی فقیر گرسنه، پیامبر و اهل بیت غذای خود را به او می‌بخشند. سائل (فقیر):  
منم فقیر، منم بینوا، برای خدا  
گرسنه‌اند یتیمان من به شهر شما  
خدا دهد به شما اجر در صف محشر  
مرا کنید مراعات آل پیغمبر  
پیامبر: بیا بگیر ایا زار خسته غمگین  
بیا بگیر ز احمد تو نان ای مسکین  
سائل (فقیر): الهی خیر ببینی یا محمد  
شود راضی ز تو، الله سرمد  
(همان، ۷۸۹)

۱۰- فرشته الهی بعد از ضعف شدید حسنین و دعای حضرت فاطمه(س) غذای بهشتی را به پیامبر(ص) می‌رساند.  
فرشته الهی بر پیامبر نازل می‌شود در حالی که ظرفی از غذای بهشتی در دست دارد:  
شوم فدای تو یا حضرت رسول انام  
به حکم ذات خداوند قادر علام  
رسانده‌ام به برت من طعام ای سرور  
من از بهشت برای مهیمن اکبر  
پیامبر: هزار شکر نرفتم از این جهان قبا  
ترا ملاحظه کردم چون مادر اعلی

مجلس چهارم: تولد حضرت زینب(س) (فتحعلی بیگی، ۱۳۸۲، ۹۰)

خلاصه مجلس: این تعزیه نیز با مناجات پیامبر با خداوند متعال شروع می‌شود. در ادامه سلمان خیر تولد حضرت زینب(س) را به پیامبر(ص) می‌رساند و پیامبر با پیشگویی عجیب پرده از سرنوشت خود و اهل بیتش و به خصوص حضرت زینب برمی‌دارد. سپس پیامبر به نزد دخترش می‌رود و تولد حضرت زینب را به او تبریک می‌گوید.

گریه کردن حضرت زینب و آرام شدن او در بغل امام حسین، رمزگشایی این اتفاق توسط پیامبر، گفتگوی پیامبر با جبرئیل درباره سرنوشت حضرت زینب و اهل بیتش، پیشگویی پیامبر از آینده اندوه‌بار حضرت زینب به پدرش (حضرت علی(ع) و مادرش حضرت فاطمه(س)) و گرفتن رضایت هر دو از این حادثه در آینده و سرانجام اجازه حضرت محمد(ص) به دخترش حضرت زهرا(س) برای سوگواری بر شهادت امام حسن و امام حسین که در آینده اتفاق می‌افتد را می‌توان از جمله اتفاقاتی دانست که در این مجلس تعزیه به وقوع می‌پیوندد.

جدول ۴: ویژگی‌های شخصیت پیامبر اسلام (ص) با توجه به نقش و جایگاه اجتماعی آن حضرت در نسخه چهار

نسخه چهار: تولد حضرت زینب(س)
۱. تعزیه با مناجات و ثنای خداوند به وسیله حضرت محمد(ص) شروع می‌شود.
۲. سلمان خیر تولد حضرت زینب(س) را به حضرت محمد (ص) می‌رساند.
۳. حضرت محمد از سرنوشت خودش، اهل بیتش و حضرت زینب(س) در آینده‌ای نزدیک برای سلمان پرده برمی‌دارد.
۴. تبریک پیامبر به دخترش حضرت فاطمه(س) به مناسبت تولد حضرت زینب(س).
۵. سرّ و راز گریه نکردن و آرام شدن حضرت زینب در بغل امام حسین (ع) از زبان پیامبر به حضرت فاطمه.
۶. گفتگوی پیامبر با جبرئیل درباره سرنوشت حضرت زینب و آینده اهل بیت او.
۷. حضرت محمد(ص) پرده از سرنوشت حضرت زینب در آینده‌ای نزدیک برای پدرش حضرت علی برمی‌دارد.
۸. گرفتن رضایت حضرت علی از سرنوشت غم‌انگیز دخترش حضرت زینب در آینده توسط پیامبر.
۹. حضرت محمد از سرنوشت حضرت زینب و اهل بیت در آینده‌ای نزدیک برای مادرش حضرت فاطمه پرده برمی‌دارد.
۱۰. گرفتن رضایت حضرت فاطمه (س) از سرنوشت غم‌انگیز دخترش حضرت زینب در آینده توسط پیامبر.
۱۱. حضرت محمد(ص) به حضرت فاطمه اجازه می‌دهد که چون در زمان شهادت امام حسن و امام حسین از دنیا رفته است. اکنون برای آن‌ها عزاداری نماید.

نمونه‌ها و مثال‌هایی از جدول چهارم:

۱- شروع تعزیه با مناجات و ستایش خداوند به وسیله حضرت محمد(ص):  
پیغمبر(ص): الهی سزاوار شاهی توئی  
...ز آب و ز گل نقش آدم زدی  
به حق علی شاه نیکو سرشت  
پدیدآور ماه و ماهی توئی  
چنین نقش بر روی عالم زدی  
کرم کن تو بر امتانم بهشت (همان، ۹)

۲- رساندن خبر تولد حضرت زینب(س) به وسیله سلمان به حضرت محمد(ص):  
سلمان: خاتم انبیاء سلام علیک  
...گر چه بحر وجود را گهری  
...از کرم داده خدای داوری  
پیغمبر: وعلیک السلام ای سلمان  
...شادمان کردی مرا شادان شوی  
حضرت مصطفی سلام علیک  
مژده ده گویمت تو را خبری  
بر علی و فاطمه خوش دختری  
حافظت باد کردگار جهان  
سرفراز اندر جهان سلمان شوی (همان، ۱۱ و ۱۰ و ۹)

۳- پیامبر و پیشگویی از سرنوشت خود، اهل بیت و حضرت زینب (س) در آینده‌ای نزدیک برای سلمان: پیغمبر(ص):

بهر این دختر مصیبت‌ها بپا خواهد شدن  
بر ستم‌های جهان او مبتلا خواهد شدن  
اولش از مرگ من نیلی بسر خواهد شدن  
بعد مادر چون دو روزی بگذرد اندر جهان

نیل پوش از ماتم شیر خدا خواهد شدن  
بنگردد کشته حسن را از جفای ظالمان  
سبزپوش از ماتم آن مقتدا خواهد شدن  
هر کجا آواز و ماتم در جهان گردد بلند  
این بلاکش آن مکان ام العزا خواهد شدن  
(همان، ۱۱)

۴- حضرت محمد(ص) به حضرت فاطمه(س) به  
مناسبت تولد حضرت زینب(س) تبریک می‌گوید:  
پیغمبر(ص):

فاطمه این گل بی‌خار مبارک باشد

قدم دختری ای زار مبارک باشد  
...شکر گو ذات خداوند کریم متعال  
دختر حور وشی را به تو داده الحال  
(همان، ۱۲)

۵- راز گریه نکردن و آرام شدن حضرت زینب در  
دستان امام حسین از زبان پیامبر(ص) به حضرت  
فاطمه(س)  
حضرت فاطمه خطاب به پدرش حضرت  
محمد(ص):

تو و من و علی و فضا و حسن به جهان  
به بر گرفتیم او را، تو از وفا می‌دان  
نموده در بر ما، او فغان و شیون و شین  
سکوت هیچ نکردی مگر به پیش حسین  
بگو تو سر همین مطلب ای پدر به خدا

دلم کباب شد از این مصیبت عظمی  
پیغمبر(ص) این گونه رمز این اتفاق را بیان می‌فرماید:  
یقین بدان تو ایا دختر من نومید

عزیز هست حسینم بر خدای مجید  
یقین بدان که حسین تو شافع فرداست  
که نه رواق فلک از طفیل او برپاست  
بکن تو شکر که فارغ شدی ز شیون و شین  
صبور گشته بدان دختری ز دست حسین  
(همان، ۱۷ و ۱۶)

۶- حضرت محمد(ص) از جبرئیل درباره حضرت  
زینب و آینده اهل بیتش سؤال می‌فرماید و جبرئیل  
پاسخ می‌دهد:  
پیغمبر(ص):

دلم لبریز خون کردی بگو با من چه ها بیند  
چه ها در دار دنیا از گروه اشقیا بیند  
بگو تا خون فشانم این زمان با دیده تر

برای دختر زهرا کنون آن شافع محشر  
جبرئیل: یا نبی‌الله این دختر ستم‌ها در جهان بیند  
دو دندان تو را بشکسته از جور خسان بیند  
ببیند داغ زهرا به زیر طاق مینایی

ز در بشکسته پهلویش ز جور ظالمان بیند  
هنوز از ماتم مادر ز دیده جوی خون بارد  
که قد سرو حیدر را به بحر خون تپان بیند  
هنوز از ماتم بابش کمر خم گشته از محنت  
حسن را دل به بطن طشت او غوطه فشان بیند  
ز بعد این این جفاها رو سوی کربلا آرد  
جفاها در زمین کربلا از کافران بیند  
...از این‌ها بگذرد بیند حسین را کشته از خنجر  
تنش را در میان خون چه او غوطه زنان بیند  
(همان، ۲۰ و ۱۹)

۷- پیشگویی پیامبر(ص) از سرنوشت حضرت  
زینب(س) در آینده به پدرش حضرت علی(ع).  
پیغمبر(ص):

چه گویم یا علی دل گشته پر خون  
بزد غم بر دلم این دم شبیخون  
همین حال جبرئیل آمد ز احسان  
به فرمان خدای حی سبحان  
به من گفت از جفای زینب زار  
که می‌بیند ز جور قوم اشرار  
(همان، ۲۳)

۸- پیامبر(ص) و گرفتن رضایت حضرت علی(ع) از  
سرنوشت غم‌انگیز دخترش حضرت زینب(س) در آینده:

پیغمبر(ص):

بگو آیا رضا هستی به دوران

که زینب جور بیند از لعینان

به روز محشر آن خورشید تابان

شود شافع به مجموع محبان

حضرت امیر(ع):

هزار جان من و دخترم ایا سرور

فدای امت تو ای ضیای دیده تر

منم رضا و تو هستی رضا یا مولا

بباید آن که شود فاطمه ز مهر رضا

(همان، ۱۶)

۹- پیشگویی پیامبر از سرنوشت حضرت زینب و

اهل بیت در آینده به حضرت فاطمه (س)

حضرت فاطمه: چرا بابا چنین آتش به جانی

پیغمبر: چه می پرسی ز حال ناتوانی

...حضرت فاطمه: مگر وحیی رسیده از خداوند

پیغمبر: بلی وحیی رسیده نیک فرزندی

حضرت فاطمه: به حق ذات یکتا گو تو مطلب

پیغمبر: پدر جان خون فشانم بهر زینب

...حضرت فاطمه: بگو آیا چه بیند این پریشان

پیغمبر: ببیند مرگ من اول به دوران

فاطمه: دگر چه جور بیند ای پدر جان

پیغمبر: ببیند مرگ تو ای راحت جان

...فاطمه: دگر بر گو چه بیند آن خوش انفاس

پیغمبر: حسن را بنگرد کشته ز الماس

...فاطمه: دگر چه قسمت این بی نوا را

پیغمبر: ببیند جور دشت کربلا را

(همان، ۲۵ و ۲۴)

۱۰- پیامبر و گرفتن رضایت حضرت فاطمه (س) از

سرنوشت غم انگیز دخترش حضرت زینب در آینده:

حضرت فاطمه: جانم فدای امت تو ای بزرگوار

گردم فدای امتت ای شاه تاجدار

...اما ز راه مهر چه خلاق انس جان

بخشد تمام امت تو در عوض جنان

پیغمبر: خدا شود ز تو راضی ایا نکواختر

به روزگار شوی سرافرازی دختر

(همان، ۲۶)

۱۱- پیامبر به دخترش اجازه می دهد که چون در زمان

شهادت حسنین وفات یافته است الآن برای آنها

عزاداری نماید:

پیغمبر: ایا صبیبه مرضیه من نالان

مگر خبر تو نداری پدر به دار جهان

تمام امت من خونفشان ز عین باشند

تمام یاور غمخوار بر حسین باشند

ولی چه خواهش تو هست ای گل حمرا

بکن عزای حسین و حسن ز مهر بپا

(همان، ۲۷)

مجلس پنجم: تولد امام حسین (ع) (فتحعلی بیگی

و ناصر بخت، ۱۳۷۸، ۹)

خلاصه مجلس: در ابتدای این مجلس جبرئیل نازل

می شود و تولد امام حسین(ع) را به پیامبر تبریک

می گوید؛ سپس از پیامبر تقاضا می کند که برای

بخشیده شدن فرشته الهی (درذائیل) به درگاه خداوند

دعا فرماید. پیامبر قنذاقه امام حسین را به سر دست

می گیرد و برای درذائیل طلب مغفرت می نماید؛

سرانجام دعای پیامبر مستجاب می شود. در ادامه،

آگاه شدن پیامبر از سرنوشت امام حسین در آینده و

رضایت او از این اتفاق ناگوار در قبال شفاعت امت

مسلمان در روز قیامت، اطلاع از سرنوشت خود و

حضرت علی و حضرت زهرا در زمان شهادت امام

حسین، گفتگوی پیامبر با حضرت علی و حضرت

زهرا در مورد شهادت امام حسین و رضایت آنها از

این امر در آینده، دعای خیر پیامبر برای دوستداران

و عزاداران امام حسین، رمزگشایی اتفاقات عجیب

خانه حضرت فاطمه (جنبیدن خود به خود گهواره

امام حسین و شنیدن صداهای مرموز) توسط پیامبر،

گفتگوی حضرت محمد(ص) با جبرئیل در مورد



ناپدید شدن ناگهانی امام حسین در گهواره و در نهایت گرفتن قنداقه امام حسین از جبرئیل و تحویل دادن نوه‌اش به حضرت زهرا از جمله اتفاقاتی است که در این نسخه تعزیه به وقوع می‌پیوندد.

جدول ۵: ویژگی‌های شخصیت پیامبر اسلام با توجه به نقش و جایگاه اجتماعی آن حضرت در نسخه پنج

نسخه ۵: تولد امام حسین(ع)
۱. فرشته الهی جبرئیل بر پیامبر نازل می‌شود و تولد امام حسین(ع) را به او تبریک و تهنیت می‌گوید.
۲. جبرئیل از حضرت محمد تقاضا می‌کند که برای بخشیدن گناه در دلائل پیش خداوند شفاعت نماید.
۳. مناجات پیامبر با خداوند در حالی که قنداقه امام حسین را به سر دست گرفته برای بخشیدن گناه در دلائل و سرانجام بخشیدن گناه فرشته الهی.
۴. جبرئیل خبر شهادت امام حسین را در آینده به جدشان پیامبر گرامی می‌رساند.
۵. رضایت پیامبر از شهادت نوه‌اش امام حسین در آینده در مقابل شفاعت امتش در روز قیامت.
۶. آگاه شدن پیامبر به وسیله جبرئیل از سرنوشت خود، حضرت علی و حضرت فاطمه در زمان شهادت امام حسین.
۷. گفتگوی پیامبر با حضرت علی در مورد شهادت امام حسین در آینده و رضایت حضرت امیر از شهادت فرزندش در مقابل شفاعت امت در روز قیامت.
۸. حضرت محمد(ص) خداوند را به بزرگی یاد می‌کند و برای دوستداران و عزاداران امام حسین دعای خیر می‌نماید.
۹. تعجب حضرت زهرا از جنیدن خود به خود گهواره امام حسین و شنیدن صداهایی عجیب در خانه و سؤال او در این مورد از پدرش حضرت محمد(ص).
۱۰. گفتگوی پیامبر با حضرت فاطمه در مورد شهادت امام حسین در آینده و گرفتن رضایت حضرت زهرا از شهادت فرزندش.
۱۱. گفتگوی پیامبر با جبرئیل در مورد ناپدید شدن ناگهانی امام حسین در گهواره.
۱۲. گرفتن قنداقه امام حسین از جبرئیل توسط حضرت محمد(ص) و تحویل دادن آن به دخترش حضرت زهرا(س).

نمونه‌ها و مثال‌هایی از جدول پنجم:

۱- تهنیت گفتن جبرئیل به پیامبر به خاطر تولد امام حسین(ع):

جبرئیل:

سلام من به جناب تو یا رسول‌الله که هستی از همه آیات ایزدی آگاه  
...برای تهنیت کردگار هر دو جهان روانه کرده به سوی تو ای رسول جهان  
پیغمبر(ص):

چه لطف و مکرمت و رحمت است ای جبرئیل  
هزار شکر به درگاه خالق کونین  
که کرده است به من کردگار رب جلیل  
عطا نموده به من نوگلی به نام حسین  
(همان، ۱۴)

۲- تقاضای جبرئیل به پیامبر برای بخشیده شدن گناه دردائیل دیگر فرشته الهی نزد خداوند:

جبرئیل: به خاک پای تو از روی عجز دردائیل نموده است چنین عرض ای رسول جلیل که پیش حق بنمائی شفاعت او را

که بخشد از کرم خود خیانت او را به او دو بال نماید ز لطف خویش عطا

دهد دوباره اش اندر صف ملایک جا پیغمبر: برو بیار حسین را ز خانه ای سلمان

کنم شفیع به درگاه کردگار جهان مگر به حرمت آن کردگار ربّ جلیل

ز لطف خویش ببخشد گناه دردائیل (همان، ۱۴ و ۱۵)

۳- حضرت محمد(ص) قنداقه امام حسین را بر سر دست می گیرد و برای بخشیده شدن گناه دردائیل دعا می نماید:

پیغمبر: بزرگوار خدایا به حق این مولود که داده ای به رسول خود ای خدای ودود

که بگذری ز کرم از گناه دردائیل از این زیاده نباشد به درگه تو ذلیل

دهی دوباره به او بالها رود به سما کند میان صفوف فرشتگان ما و ا

جبرئیل: شوم فدای تو ای اشرف بنی آدم طفیل ذات تو گردیده خلق این عالم

بدان که از برکات حسین خدای جلیل گذشته از سر تقصیر و جرم دردائیل

(همان، ۱۵ و ۱۶)

۴- آگاه شدن پیامبر از شهادت امام حسین (ع) در آینده به وسیله جبرئیل:

پیغمبر: تو آمدی مرا شاد از وفا کردی برادری تو نمودی نشاط ما کردی

پس از چراست(چه روست) که اندر خروش و افغانی نظر به سوی حسین می کنی و گریانی

جبرئیل: همین حسین که توداری ز جان عزیزترش ز راه لطف کنی گه به دوش و گه به برش

شود دمی که ز کین امتت به کرب و بلا جدا کنند سرش را به تیغ کین ز قفا (همان، ۱۷)

۴- حضرت محمد به جبرئیل رضایت خود را از شهادت امام حسین اعلام می نماید در صورتی که در روز قیامت شافع امت شود:

جبرئیل: شود اگر چه حسینت شهید ای سرور کند شفاعت امت به عرصه محشر

اگر شهید نگرود حسین به کرب و بلا به عاصیان که کند دستگیری ای مولا

رفاه امت عاصی اگر بود منظور به این معامله شو راضی از خدای غفور

پیغمبر: رضا شدم که شود کشته با هزار محن به شرط آن که شود عذرخواه امت من

(همان، ۱۸ و ۱۷)

۵- حضرت محمد(ص) به وسیله جبرئیل از سرنوشت خود، علی (ع) و حضرت فاطمه (س) در زمان شهادت امام حسین (ع) آگاه می شود:

پیغمبر: شود حسین چون شهید به کرب و بلا در آن زمان به کجایم از من ای امین خدا

علی و فاطمه باشند آن زمان به جهان شود چو کشته حسینم ز ظلم بی پایان

جبرئیل: در آن دمی که شود کشته نور چشم بتول شما حیات ندارید ای جناب رسول

در آن زمان نبود مرتضی و نه زهرا شود شهید حسین تو بی کس و تنها

(همان، ۱۸)

۶- حضرت محمد(ص) با حضرت علی(ع) در مورد شهادت امام حسین در آینده گفتگو می کند و رضایت حضرت امیر را از شهادت فرزندش در قبال شفاعت

امت در روز قیامت می‌گیرد:

پیغمبر: ایا برادر با جان برابرم حیدر

ز کردگار چنین داده جبرئیل خبر

به راه امت عاصی حسین شهید شود

ز عمر خود به جهان زار و ناامید شود

حضرت علی: ایا سراسر عالم مخاطب لولاک

شود شهید حسینم به راه ایزد پاک

اگر شفاعت امت کند به روز جزا

رضا شدم که شود کشته گروه دغا

(همان)

۷- ثنای خداوند به وسیله پیامبر و دعای خیر برای

دوستان و عزاداران امام حسین (ع):

پیغمبر: کنم ثنای تو ای فرد قادر یکتا

که داده‌ای تو کلید شفاعتم فردا

چو راضیم به قضای حسین به کرب و بلا

به دوستان حسین لطف و مرحمت فرما

هر آن که را بر او می‌شود ز روی وفا

زند لوای عزاداری‌اش در این دنیا

گناه او تو ببخشای از ره رحمت

روانه کن تو به همراه من سوی جنت

(همان، ۲۱)

۸- حضرت فاطمه از جنیدن خود به خود گهواره

امام حسین و شنیدن صداهای عجیب در خانه تعجب

می‌کند و از پدرش پیامبر (ص) در این مورد سؤال

می‌نماید:

حضرت فاطمه: به فدای تو ایا بدر دو جا

این عجب بین که در این خانه صدا

می‌شود ظاهر و کس ناپیدا

مهر می‌جنبد و این است ندا

ان فی الجنه نهرا من لبن

لعلی و حسین و حسن

پیغمبر: تو مکن خوف برو گیر قرار

خواب راحت رو ایا دختر زار

جبرئیل است بدان خدمتکار

مهد طفل تو دهد حرکت و گوید بسیار

ان فی الجنه نهرا من لبن

لعلی و حسین و حسن (همان، ۲۴ و ۲۳)

۹- حضرت محمد (ص) با دخترش در مورد شهادت

امام حسین در آینده صحبت می‌کند و رضایت حضرت

فاطمه را از شهادت فرزندش می‌گیرد:

حضرت فاطمه: مگر پدر ز برای حسین قرانی است

غمی و محنت ایام ناگهانی است

اگر رضای خداوند کردگار نبود

به این چنین و لدم در زمانه کار نبود

پیغمبر: چه گویمت به تو ای نور دیده افکار

که می‌کنند شهیدش جماعت کفار

سرش ز خنجر بیداد بر سنان گردد

حرمسراش اسیر مخالفان گردد

علی اکبر او پاره پاره گردانند

علی اصغر او را نشانه گردانند

دو دست حضرت عباس را جدا سازند

تنش ز سم ستوران چو توتیا سازند

حضرت فاطمه: اگر رضای خداوند کردگار نبود

به این چنین و لدم در زمانه کار نبود

پیغمبر: منخور تو غم که خدا می‌دهد به جدّ حسین

کلید گنج شفاعت به خون‌بهای حسین

(همان، ۳۲ و ۳۱)

۱۰- حضرت محمد (ص) با جبرئیل در مورد

ناپدید شدن ناگهانی امام حسین در گهواره صحبت

می‌نماید:

پیغمبر: علیک هم به تو باد ای برادرم جبرئیل

سلام من به تو ای پیک کردگار جلیل

حسین من به کجا بود ای برادر جان

بیان نما به من ای پیک خالق سبحان

جبرئیل: ایا رسول خدا من عزیز فاطمه را

زگهواره ببردم به سوی عرش علا

که تا کنند طوافش ملائک ملکوت

شود منور از آن شاه، عالم لاهوت (همان، ۳۶ و ۳۵)

۱۱- حضرت محمد(ص) قنداقه امام حسین را از جبرئیل می‌گیرد و آن را به حضرت فاطمه تحویل می‌دهد:  
 پیغمبر(ص): ایا رضیه مرضیه دخترم زهرا غمین مباش که شد نور دیده‌ات پیدا  
 بیا که نو سمرت باز آمده ز سفر به جاست در صدف گاهواره چون گوهر  
 مکن تو گریه حسین را بگیری ای زهرا که آه تو شررا فروز شد به سطح سما  
 (همان، ۳۸)

جدول ۶: ویژگی‌های مشترک شخصیت حضرت محمد(ص) در پنج نسخه مورد مطالعه

ردیف	ویژگی‌های مشترک	نام نسخه‌ها
۱	پیشگویی پیامبر از سرنوشت خود و اهل بیتش در آینده	خبر آوردن جبرئیل بر پیغمبر...، وفات پیغمبر، بیماری حسنین، تولد حضرت زینب، تولد امام حسین
۲	مأموریت پیامبر برای رساندن خبر شهادت امام حسن و امام حسین در آینده به حضرت فاطمه	خبر آوردن جبرئیل بر پیغمبر، بیماری حسنین، تولد حضرت زینب، تولد امام حسین
۳	شروع تعزیه با گفتگوی جبرئیل و حضرت محمد(ص)	خبر آوردن جبرئیل بر پیغمبر...، وفات پیغمبر، تولد امام حسین
۴	آگاه شدن پیامبر از شهادت امام حسن و امام حسین در آینده به وسیله جبرئیل	خبر آوردن جبرئیل بر پیغمبر...، تولد حضرت زینب، تولد امام حسین
۵	رضایت پیامبر از شهادت امام حسن و امام حسین در آینده در قبال بخشیده شدن گناهان مسلمانان	خبر آوردن جبرئیل بر پیغمبر...، تولد حضرت زینب، تولد امام حسین
۶	مأموریت پیامبر برای رساندن خبر شهادت امام حسن و امام حسین در آینده به حضرت علی	خبر آوردن جبرئیل بر پیغمبر...، تولد حضرت زینب، تولد امام حسین
۷	گرفتن رضایت حضرت علی از شهادت فرزندانش در آینده توسط پیامبر	خبر آوردن جبرئیل بر پیغمبر...، تولد حضرت زینب، تولد امام حسین
۸	گرفتن رضایت حضرت فاطمه از شهادت فرزندانش در آینده توسط پیامبر	خبر آوردن جبرئیل بر پیغمبر...، تولد حضرت زینب، تولد امام حسین
۹	شروع تعزیه با مناجات و ثنای خداوند به وسیله حضرت محمد(ص)	وفات پیغمبر(ص)، تولد حضرت زینب
۱۰	اجازه پیامبر به حضرت فاطمه برای سوگواری بر شهادت امام حسن و امام حسین در آینده	خبر آوردن جبرئیل بر پیغمبر...، تولد حضرت زینب

ردیف	ویژگی‌های کلی	نام نسخه‌ها
۱	ارتباط با وحی (نازل شدن جبرئیل و رساندن پیام‌های خداوند به حضرت محمد(ص))	خبر آوردن جبرئیل بر پیغمبر... وفات پیغمبر(ص) بیماری حسنین تولد حضرت زینب تولد امام حسین
۲	ارتباط با اهل بیت (گفتگوی پیامبر با حضرت علی، حضرت فاطمه، امام حسن، امام حسین و حضرت زینب)	خبر آوردن جبرئیل بر پیغمبر... وفات پیغمبر(ص) بیماری حسنین تولد حضرت زینب تولد امام حسین
۳	ارتباط با مسلمانان (ارتباط رودر رو یا ارتباط معنوی از طریق دعا برای مسلمانان و تقاضای بخشیده شدن گناه آن‌ها در روز قیامت حتی به قیمت شهید شدن عزیزانش (امام حسن و امام حسین))	خبر آوردن جبرئیل بر پیغمبر... وفات پیغمبر(ص) بیماری حسنین تولد حضرت زینب تولد امام حسین

### نتیجه‌گیری

نویسندگان این مقاله پس از بررسی و مطالعه پنج تعزیه مورد نظر به این جمع‌بندی و نتیجه رسیدند که: ارتباط حضرت محمد(ص) با وحی الهی، اهل بیت و مسلمانان بسیار کلیدی و بااهمیت است. حضرت محمد(ص) از طریق فرشته الهی (جبرئیل) پیام‌های خداوند را دریافت می‌کند و از اتفاقاتی که در آینده قرار است روی دهد آگاه می‌شود. پیامبر(ص) تنها کسی است که دارای این قابلیت است و می‌تواند از طریق وحی پیام‌هایی را از خداوند دریافت و به اهل بیت و مسلمانان ابلاغ نماید. در ادامه روابط حضرت محمد(ص)، با اهل بیتش (حضرت علی(ع)، حضرت فاطمه(س)، امام حسن(ع)، امام حسین(ع) و حضرت زینب(س)) در این مجالس بسیار چشمگیر و بارز است، به طوری که در جای‌جای صفحات این نسخه‌ها به چشم می‌خورد. در این جا می‌توان نقش پیامبر(ص) را در رابطه با اهل بیت خود در پیش بردن تعزیه بسیار مهم و بجا دانست. کلام آخر این که در این نسخه‌ها که می‌توان آن را بازتاب زندگی پیامبر(ص) در میان امتش (البته با توجه به در نظر گرفتن ذوق هنری و ادبی پدیدآورندگان نسخه‌های تعزیه) دانست ارتباط حضرت با مسلمانان یا رو در روست یا معنوی؛ ارتباط معنوی به این صورت است که پیامبر(ص) از طریق دعا برای مسلمانان و تقاضای بخشیده شدن گناهان امتش تا آن جا پیش می‌رود که حاضر می‌شود نوه‌هایش (امام حسن(ع) و امام حسین(ع)) در آینده شهید شوند به شرط آن که شافع و شفیع امت او در روز قیامت گردند.

## فهرست منابع:

- قرآن کریم
- اقبال (نامدار)، زهرا (۱۳۵۵)، جنگ شهادت، چاپ اول، تهران: انتشارات سروش
- بلوکباشی، علی (۱۳۹۰)، تعزیه خوانی (حدیث قدسی مصایب در نمایش آیینی)، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر
- بیضایی، بهرام (۱۳۵۵)، نمایش در ایران، تهران: چاپ کاویان
- چلکووسکی، پیتر جی (۱۳۸۹)، تعزیه: آیین و نمایش در ایران، ترجمه داود حاتمی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت
- ستاری، جلال (۱۳۸۷)، زمینه اجتماعی تعزیه و تئاتر در ایران، چاپ اول، تهران: مرکز
- شهیدی، عنایت‌الله (۱۳۸۰)، پژوهشی در تعزیه و تعزیه خوانی از آغاز تا پایان دوره قاجاریه در تهران، چاپ اول، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی
- عاملی، علامه سید جعفر مرتضی (۱۳۸۸)، سیرت جاودانه (۱)، ترجمه دکتر محمد سپهری، چاپ پنجم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- عاشورپور، صادق (۱۳۸۹)، نمایش‌های ایرانی، جلد دوم - تعزیه، چاپ اول، تهران: انتشارات سوره مهر
- عمید، حسن (۱۳۸۶)، فرهنگ فارسی عمید، چاپ ۳، تهران: انتشارات امیرکبیر
- فتحعلی بیگی، ناصر بخت؛ داوود، محمدحسین (۱۳۷۸)، دفتر تعزیه (۳)، چاپ اول، تهران: انتشارات نمایش
- فتحعلی بیگی، داود (۱۳۸۲)، دفتر تعزیه (۷)، چاپ اول، تهران: انتشارات نمایش
- ناصر بخت، محمدحسین (۱۳۸۶)، نقش پوشی در شبیه‌خوانی، چاپ دوم، تهران: انتشارات نمایش
- همایونی، صادق (۱۳۸۰)، تعزیه در ایران، چاپ دوم، شیراز: انتشارات نوید شیراز